

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قافمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۲۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۵۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۵ آذر ۱۴۰۱ | ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ | ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲ | **سال بیستم** • شماره ۴۴۳۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ | اذان مغرب ۱۷:۱۲ | اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۶:۲۱

شترتق

دیالوگ روز

مسئند من علی هستم - کلر لویس - ۲۰۱۴

محمدعلی کلی؛ «غیرممکن» تنها واژه‌ای بزرگ برای افراد حقیر است. برای اینکه آنها زندگی آسان‌تر و بهتری داشته باشند، باید این قدرت را داشته باشند که تغییراتی در زندگی خود ایجاد کنند.
«غیرممکن» یک حقیقت نیست بلکه یک باور است.
«غیرممکن» اظهارنظر نیست بلکه شهامت است.
«غیرممکن» زودگذر است.
«غیرممکن» هیچ است.

یادداشت

دکتر سید جعفر شهیدی و رویکردهای تاریخی نگری



غلامحیدر ابراهیم‌پای سلامی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

زبان پارسی بزرگ‌ترین و پویاترین میراث فرهنگی ایران‌زمین است. دکتر سیدجعفر شهیدی به دعوت علامه میرزا علی‌اکبرخان دехدا همکاری با مؤسسه لغت‌نامه دехدا و معاونت ریاست آن را بعد از دکتر محمد معین برعهده گرفت. او بنیان‌گذار و رئیس مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی شد تا برای رهایی بیشتر از توهمات ذهنی با مکتب و سبکی نوب‌به‌اعتلای هویت ایرانی و مهندسی ذهن و زبان ایرانیان کمک کند و به شناخت، دسته‌بندی، توسعه مفاهیم و بررسی آنها از پدیده‌های بی‌شمار مادی و معنوی یاری رساند و با گسترش زبان موجب قوت جان ایران شود. او از شاگردان برجسته استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بود که در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۸۶ رئیس شهری به خاک سپرده شد و نقل است زمانی که او عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و رئیس دانشکده ادبیات آن دانشگاه بود، به دلیل فعالیت‌های آکادمیک بسیار و جولان استادان جوان دانشکده و مورد استقبال بین‌المللی برای آموزش و پژوهش درباره زبان و ادبیات فارسی شده بود. از این‌رو آن زمان را دوران طلایی دانشکده ادبیات نامیده‌اند. این همان دانشکده‌ای است که هنوز سسرو بلند «کوچه‌باغ‌های نیابور» استاد دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی بر بلندای نردبان سخن در آن می‌خرامد.

نخستین‌بار با نام سیدجعفر شهیدی از سوی دکتر محمدکاظم خواجویان در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد آشنا شدم که تأکید می‌کرد در درس «تاریخ اسلام» ابتدا مقاله‌ای از دکتر علی شریعتی با عنوان «تاریخ اسلام به چه کار می‌آید؟» و بعد کتاب «تاریخ تحلیلی اسلام» را به‌صورت کامل مطالعه کنید. دکتر خواجویان در مقام ریاست دانشکده با دعوت از فرهیختگانی مانند دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر عبدالکریم سروش، علی حجتی‌کرمانی و ایجاد فضا برای همکاری و تدریس استنادانی مانند دکتر عبدالهادی حائری‌یزدی، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر رامپور صدربیوی، دکتر هما زرنجانی‌زاده، سیدجعفر سیدان، محمدحسین ساکت، محمد قهرمان، دکتر محمدعلوی مقدم، دکتر محمدمهدی رکنی و دکتر جعفر باحتی با همه محدودیت‌ها و دشواری‌های حاکم، فضای کم‌ظنیری برای فعالیت فرهیختگان فراهم ساخته بود.

دکتر شهیدی در پیوند دوستی با دکتر خواجویان هرازچندگاهی به دانشکده می‌آمد و معمولاً رئیس دانشکده بود او در سالان آملی‌تئاتر جلسه سخنرانی برگزار می‌کرد. در یکی از همین سخنرانی‌ها که به احتمال زیاد در بزرگداشت سیدغلامرضا سعیدی، نویسنده، اقبال‌شاس و مترجم دینی معاصر ایرانی و پدر همسر دکتر شهیدی برگزار شده بود با ذکر خاطره‌ای نقل کرد که در زمان جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹–۱۹۴۵) و بعد از اعلام بی‌طرفی ایران، در یک تلبانی تاریخی ناخودآمندرانه و بین‌المللی که روس‌ها به ایران حمله کرده و کشور به بنانه حضور چند کارشناس آلمانی به اشتغال شوروی درآمده بود، فردی از اهالی تربت حیدریه به میهمانی استاد غلامرضا سعیدی که خود اهل روستای نور در میان بیرجند بود، آمد و استاد از او پرسید که از خراسان چه خبر؟ میهمان محترم کمی در فکر رفت و با تأمل گفت در خراسان فقط یک خبر است که «راه کرپلا بسته شده است». این جمله برای من که در همان زمان قرار بود به‌عنوان یک دانشجو موضوع «هکده جهانی» مک لوهان را در ظهور ارتباطات الکتریکی به‌صورت عمومی و رخنمون فرایست‌مدرنیته، در کلاس درس «جامعه‌شناسی ارتباطات جمعی» کنفرانس دهم در تطبیق جوامع جالب و راه‌گشا شد.

هر بررسی جامعه‌شناختی مبتنی بر شناخت نهادها و کنش‌های اجتماعی است و مطالعه تاریخ و گذشته گروه‌ها و جوامع به‌ویژه شناخت نهادها در این زمینه امری ضروری است. اگر از آنچه استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب «دو قرن سکوت» طرح کرده‌اند، فعلاً بگذریم، برای نسل ما بعد از انقلاب اسلامی ارائه سه رویکرد و نگاه به تاریخی تأمل‌برانگیز و متحیرکننده بوده است:

از یک‌سو تاریخ تحلیلی اسلام و کتاب «پس از پنجاه سال» سیدجعفر شهیدی که برخاسته از نظام سنتی دانش در ایران و نجف بود و بیشتر بر «تمدن متنی» و گروه‌ها و نهادهای دینی استوار می‌شد. از سوی دیگر در همان زمان دکتر عبدالهادی حائری‌یزدی دبیری را ترسیم می‌کرد و با طرح آنچه در کتاب «نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بوزوازی تمدن غرب» و همچنین کتاب «تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق» به آن می‌پرداخت و روحیه نقادی و دگراندیشی را در دانشجویان تقویت می‌کرد و اکثر این امور برخاسته از آزاداندیشی استاد تحصیل‌کرده در دانشگاه مک‌گیل کانادا و مبتنی بر روش‌های پیشنهادی چارلز جوزف آدامز و نظام نوین دانش غرب بود.

رویکرد سوم همان بود که با درس‌های «اسلام‌شناسی» دکتر علی شریعتی آغاز شده بود و فرایند ایدئولوژی‌زاسیون و غنی‌سازی مفاهیم دین و ادبیات را برای تحریک دو نسل پیش از ما و گشاندن آنها به فرایند «انقلاب» رقم زده بود. در آن زمان دکتر خواجویان فضا را برای ارائه درس «فلسفه تاریخ» دکتر عبدالکریم سروش فراهم کرد تا نقدهای ایشان از مفهوم رایج «فلسفه تاریخ» و امکان درک بهتر وضعیت جاری، فراهم شود. سروش روشنفکرانه به نقد اسلام‌شناسی شریعتی و کتاب‌های «جامعه و تاریخ» و پیرامون «انقلاب اسلامی» و «جمهوری اسلامی» مرضی‌مطهری می‌پرداخت. جملات قصار دکتر سروش به نقل از «کارل ریمون پوپر» در طرح مفهوم «جامعه باز و دشمنانش» و بررسی و نقد فلسفه تاریخ و «فقر تاریخی‌گرایی» همواره به یاد ماست که «تاریخ عمومی جهان را نمی‌توان نوشت». «تاریخ علم بررسی حوادث برگزیده تاریخ است»، «مورخ غلام حلقه به گوش حوادث نیست» آن‌چنان‌که هگل گفته است «تاریخ طوماری است که به‌تدریج باز می‌شود و پدران را از روی پسران می‌توان شناخت». در رویکرد دگرپسیمی جوامع از زمان انقلاب پیامبر (ص) به بعد دکتر شهیدی نقل می‌کنند که در واقعه کرپلا یکی از بزرگان عرب از فرزند یکی از قاتلان امام حسین (ع) می‌پرسد پدتر دین این مردم را به چند خریده است که اینک «پس از پنجاه سال» مسلمانان در کوفه پوسنن وارونه پوشیده‌اند و به نام دین و با طرح خروج از دین خدا و اتهام محاربه بهترین فرزندان رسول خدا (ص) را می‌کشند.

تلاش برای بی‌اهمیت جلوه‌دادن بحران

در چندماه اخیر حداقل دو عنوان مهم برای تعطیلی رسمی شهرها و

استان‌های کشور وجود داشته‌که اولی موضوع آلودگی هوا در و دیگری نیز موضوع گاز طبیعی بوده است. در هر دو بحران اخیر، به نظر می‌رسید نوعی آشفتگی بر نحوه اطلاع‌رسانی بحران حاکم است.

در قضیه اخیر بحران گاز، همه منتظر جلسه استناداری بودند و خروجی واقعا غافلگیرکننده بود؛ تمام ادارات و دستگاه‌های اجرائی دولتی و بانک‌ها با حضور یک‌سوم کارمندان و شعب دایر می‌شدند و تأکید شده بود همه سیستم‌های گرمایشی ادارات دولتی، بانک‌ها و مجتمع‌های تجاری، تفریحی،

فرهنگی و ورزشی باید کاملاً خاموش باشد. کلاس‌های همه مدارس به‌صورت غیرحضوری تشکیل می‌شود و رؤسای دانشگاه‌ها درباره برگزاری امتحانات پایان‌ترم دانشجویان تصمیم می‌گیرند.

در بادی امر به نظر می‌رسد این تصمیم یک‌سوم و دوسوم مذکور خنده‌دار است. راه‌حل پیشنهادی مقامات این بود که کارکنان با لباس گرم به سر کار بیایند.

همچنین اگر بنا باشد گرمایش خاموش باشد، چه فرقی می‌کند یک‌سوم کارکنان

بیایند یا دوسوم یا همه کارکنان؟

چرا وزیر کشور بلافاصله این تصمیم استناداری تهران را لغو و اعلام کرد بخش خصوصی و دولتی تهران یکشنبه تعطیل خواهد بود؟ آیا افرادی که در جلسه استناداری چنین تصمیمی گرفته بودند، از بدیهیات منطقی غافل بودند؟ پاسخ قطعاً منفی است. پس اکنون در ورای ماجرا چه حقیقتی وجود دارد؟

مانول کاستلز، اندیشمند بزرگ اسپانیایی معاصر، ازجمله متفکران عرصه ارتباطات نوین است. سه‌گانه معروف او (با عنوان کلی جامعه شبکه‌ای) به

همراه کتاب مهم قدرت ارتباطات، حاوی این نظریه است که شبکه‌ها، ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل داده و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد

می‌کند.

به‌طورکلی دولت کنونی مانند هر دولت دیگری خود را در اوج قدرت تلقی کرده و معتقد است توان انباشتی موجود در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از حیث مقابله با هر بحران یا پدیده یا رویداد (اعم از پیش‌بینی‌پذیر

و غیرقابل پیش‌بینی) فاقد توان مقابله با بحران است. این تصور ایجاد شده که بحران مذکور می‌تواند تأثیری در فعالیت دولت داشته باشد. دولت همواره و در بدترین حالات نیز قادر به فعالیت است ولی جهت رعایت شرایط کنونی، با یک سوم ظرفیت خود کار می‌کند.

همچنین دولت در حمایت از صرفه‌جویی گاز باید دستگاه‌های گرمایش ادارات را خاموش کند؛ چراکه دولت مقتدر پیش از همه باید از خود شروع کند. دولت درعین‌حال هم «تعطیل نیست» و هم «تعطیل هست». تعطیل نیست؛ چراکه کارکنان ادارات در ساختمان‌های دولتی حضور دارند.

البته همه جا هم‌زمان تعطیل هم هست؛ زیرا کارکنان ادارات بدون سیستم گرمایش قادر به کار مؤثر نیستند اما صرف حضور آنها (بدون داشتن هیچ‌گونه کارآیی در سرما) حاکی از استمرار خدمات دولتی است.

فعالیت بخش خصوصی نیز تابعی از فعالیت بانک‌هاست. همین وضعیت «تعطیل نیست» هست؛ بر بانک‌ها حاکم است.

به‌این‌رتیب اگر کسی ادعا کند دولت در این بحران تعطیل شده است، می‌توان کارکنانی را به او نشان داد که با لباس گرم، پشت میز خود حضور دارند.

اقتصاد و بخش خصوصی نیز تعطیل نیست؛ چراکه بخشی از بانک‌ها در حال فعالیت هستند.

بنابراین، این ادعا که بحران گاز بر دولت فائق آمده است، با ارائه این تصاویر (آنچه کاستلز از آن ذیل عنوان «انگاره» نام می‌برد) می‌تواند زیر سؤال برود. اما این تصاویر انگاره‌ای به قدری با برداشت عموم مردم از امور متعارف منافات داشت که درنهایت مقام بالاتر (یعنی وزیر کشور) وارد صحنه شد و اعلام کرد نه‌تنها دولت بلکه بخش خصوصی نیز تعطیل است و این حکم دقیق مسئله بحران گاز بود.

هرچند بسیاری از این تصمیم متضرر می‌شوند اما وقتی پای خیر عمومی درمیان باشد، تمامی مردم کشور به آن گردن می‌هند.



• عکس: تقی‌رضا، باشگاه ورزشکاران بزرگ طول

آمار خوانی

سیاهان آمریکا، آسیب‌دیدگان برده‌داری

دو سال از جنبش «جان سیاهان مهم است»، می‌گذرد. آیا تغییرات گسترده‌ای در افکار عمومی درباره جایگاه سیاه‌پوستان در آمریکا رخ داده است؟ این سؤالی است که «مرکز صدای سیاه» با مرکز نظرسنجی گالوپ سعی کرده‌اند درباره آن تحقیقات و ارزیابی انجام دهند. این نظرسنجی بخشی از نهصد صدساله گالوپ به این مرکز است. طبق گزارشی که در آستانه سال جدید منتشر شده است، در سال ۲۰۲۲، تحقیقات دربارهٔ زندگی، تجربیات و دیدگاه‌های سیاه‌پوستان در ایالات متحده، روزنه جدیدی را بر سلامت و رفاه، احساسات درباره پلیس، دیدگاه‌هایی درباره چگونگی پرداختن به میراث ابدی برده‌داری و درک عمومی از نقاط عطف در تاریخ سیاه‌پوستان را روشن کرد. این مراکز گفت‌وگوهایی بی‌وقفه در این زمینه انجام داده‌اند که بخشی از آنها در ادامه می‌آید.

طبق این نظرسنجی، ۶۲ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند سیاه‌پوستان امروز، تحت تأثیر تاریخ برده‌داری هستند و دولت فدرال مسئولیت رسیدگی به این تأثیرات را دارد. در میان دیگر گروه‌های نژادی و قومی، ۸۳ درصد از سیاه‌پوستان آمریکایی، ۵۴ درصد از سفیدپوستان آمریکایی و ۷۱ درصد از آمریکایی‌های اسپانیایی‌تبار نیز موافق این روند هستند. آمریکایی‌هایی که فکر می‌کنند دولت مسئول است، عموماً معتقدند همه سیاه‌پوستان آمریکایی، به‌جای آنهایی که از نسل بردگان هستند، باید از برنامه‌هایی برای رسیدگی به تأثیرات برده‌داری بهره ببرند. سیاه‌پوستان آمریکایی که اجدادشان قبل از جنگ داخلی به ایالات متحده آمده‌اند، بیشتر از آنهایی که اجدادشان بعد از آن آمده‌اند، تمایل دارند که از تأثیر «بسیار» تاریخ برده‌داری بر سیاه‌پوستان بگویند و دولت



• برودت و سرمای شدید هوا آبشار گنج‌نامه را که در فاصله پنج کیلومتری شهر همدان با حدود ۱۲ متر ارتفاع واقع شده به شکل زیبایی درآورده است. عکس: ایمان حامی خواه / مهر

گزارش خوانی

اینترنت را بکشید

این روزها هیچ اظهارنظر و ادعایی در صداوسیما کسی را شگفت‌زده نمی‌کند همین‌طور هیچ خبری. اینکه سؤالات کنکور سراسری انسانی و ریاضی درحال‌حاضر در کانال‌های مختلف با قیمت‌های بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون در حال مبادله است، آن‌هم درحالی‌که قرار است در جلسات کنکور دستگاه‌های سیگنال‌یاب وصل شود و البته اینترنت نیز قطع خواهد شد. این راه‌حل‌ها همان‌قدر عجیب است که تحلیل یک کارشناس که باور دارد رئیس جمهور آمریکا هرلحظه که احساس کند اینترنت علیه اوست، می‌تواند اینترنت جهانی را قطع کند.

کلید دست آمریکا است!

کارشناس میهمان برنامه فرامتن از شبکه افق در بخشی از گفت‌وگوی خبری در این برنامه اعلام کرد رفع تحریم‌های اینترنتی علیه ایران از سوی آمریکا یک بازی سیاسی است و ایران به یک اینترنت ملی نیاز دارد. این کارشناس همچنین اعلام کرد آمریکا هرلحظه که بخواهد می‌تواند اینترنت جهانی را قطع کند؛ چراکه یک کیف در اختیار رئیس‌جمهور آمریکاست که با آن می‌توان با یک حرکت، اینترنت جهانی را قطع کرد.

او دراین‌باره گفت: «همواره دو کیف همراه رئیس‌جمهور آمریکاست که یکی کیف دستور حمله نظامی است و دیگری کیفی است که در آن دستور به قطع اینترنت جهانی صادر می‌شود.» او تأکید کرد رئیس‌جمهور آمریکا در هر لحظه که احساس کند اینترنت علیه اوست، این شبکه جهانی را در لحظه قطع می‌کند.

کلید دست آمریکا نیست!

به گزارش دیجیاتو تا چند سال پیش کلید اینترنت در دست نهادی به اسم آیکان بود که با آمریکا قرارداد داشت، اما چند سالی می‌شود که دولت آمریکا دیگر دخالتی در این سازمان ندارد و تحت نظر سازمان ملل فعالیت دارد. هرچند سخنگوی آیکان نیز پیش‌تر تأکید کرده است که این سازمان به‌طورکلی قادر به دخالت با تعدیل محتوای اینترنت نبوده و نیست. در بدترین سناریوی ممکن، دولت آمریکا با افزایش بسیار شدید تحریم‌ها شاید بتواند خرید اینترنت توسط شرکت ارتباطات زیرساخت و دولت را مشکل‌تر کند اما امکان قطع اینترنت یک کشور دیگر را ندارد. درواقع باید گفت اینترنت تحت کنترل و اختیار هیچ کشوری نیست تا بتواند یکی از کشورهای جهان را از آن بیرون کند.

شاه‌کلید اینترنت دست چه کسانی است؟

شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید همه آدرس‌های آی‌پی در دنیا مدیریت می‌شوند و بی‌حساب‌و‌کتاب به هیچ کشور یا ارگانی آدرس داده نمی‌شود، حتی اسامی دامنه‌های اینترنتی نیز به همین روش است یعنی بخش همین‌جور و محض رضای خدا دامنه‌های با پسوند ir به ایران اختصاص نیافته است. ICANN مخفف کلمه‌های Internet Corporation for Assigned Names and Numbers همان‌طور‌که از نامش پیداست یک سازمان مدیریت‌کننده اعداد و نام‌ها در اینترنت است که کاملاً خصوصی و غیردولتی است و تقریباً می‌توانیم بگوییم که هیچ سودی درخصوص انجام کارهایش نیز دریافت نمی‌کند. وظیفه مدیریت گسترش و رشد اینترنت و پژوهش‌های مربوط به آن را بر عهده گرفتند و امروزه اگر هر کشور، هر شرکت و هر سازمانی قصد توسعه شبکه اینترنت یا اضافه‌شدن به این مجموعه جهانی را داشته باشد، بایستی در آیکان شناخته شده باشد. با این تفسیر اصلاً تصور نکنید که ایالات متحده می‌تواند تصمیمات عجیب‌وغریبی در خصوص مالکیت‌های اینترنتی اتخاذ کند. تمامی دامنه‌ها برتر جدیدی که مشاهده می‌کنید یا حتی تحقیق و پژوهش روی آدرس‌های آی‌پی و نسخه‌های مختلف آن امروزه در آیکان انجام می‌شود.

به همین دلیل مؤسسه آیکان، برنامه‌های برای معرفی افرادی به عنوان مسئولین حفظ امنیت اینترنت تدارک دید. در این مراسم که به نام «مراسم کلید» موسوم شده است، مدیران فنی و سوپرایزورهای امنیتی آیکان شرکت می‌کنند. این مراسم بسیار عجیب و با مراحل امنیتی بالا و در فواصل زمانی معین تنها در یک اتاق محفوظ و بسته برگزار می‌شود و در آن افراد برگزیده کلیدهای خود را تحویل می‌گیرند، شاه‌کلیدهایی که می‌توانند با آن اینترنت دنیا را کنترل کنند. «پل کین» از انگلستان رهبر گروه کلیدداران است. او مدیرعامل شرکت انگلیسی «کامیونیتی دی‌ان‌اس» است که در زمینه ایجاد دامنه‌های اینترنتی و حفظ امنیت آنها فعالیت می‌کند. او همچنین مدیر یک مرکز تحقیقات امنیت شبکه در انگلستان هم هست.

«دن کامپنسیکی» از آمریکا که محقق امنیتی داده‌هاست. او سابقه کار در شرکت‌های بزرگی مانند سیکسکو را هم دارد.

«جیان کانگ یاو» از چین موسی گوپر بورگینافاسو، «بویل وودینگ» اتریشیناد و توپاگو و «بویسل وودینگ» هم بکسی از بزرگ‌ترین فعالان اتحادیه مخابرات کاراییب و مشاور امور توسعه آسی‌تی جهانی است.

«اوندرج شوری» از جمهوری چک، «نورم ریچی» از کانادا دیگر کسانی هستند که کلید در اختیارشان است. این هفت نفر درواقع مالکان شاه‌کلیدهای اینترنت هستند که با استفاده از آنها می‌توانند تمام اینترنت و وب جهانی را در یک لحظه خاموش کرده، روشن کرده، از کار انداخته یا آن را به کار اندازند.

تعجب نکنید، این عین واقعیت است! البته به گفته آیکان این دستورالعمل یعنی خاموش کردن یا ازکار انداختن اینترنت تنها در شرایط خاص و بحرانی که می‌تواند از یک فاجعه جهانی جلوگیری کند، انجام می‌پذیرد.

با خاموش کردن اینترنت درواقع کره زمین دچار اختلالات بزرگی می‌شود با این تقاسیر آیا به نظر شما این افراد برقدرت‌ترین افراد روی زمین هستند؟